

اهداف عملیاتی مهد کودک از منظر فقه تربیتی *

□ محمد صادق سنگی **

□ مجید طرقی ***

□ حسن شکوری ****

چکیده

افزایش رو به رشد مهد کودک‌ها و محتوای بعضاً نامناسب آن در برخی از نقاط کشور، نگرانی‌هایی را برای والدین و مسؤولان بوجود آورده است. سؤال مقدماتی این است که اساساً نظر اسلام در مورد مهد کودک چیست و آیا با تأسیس و رشد فزاینده آن، آسیبی به تربیت کودک بویژه تربیت دینی او وارد نخواهد شد؟ و از طرفی سؤال اصلی این است که در صورت تأیید اجمالی مهد کودک از نظر اسلام، آیا در اسلام و متون اصلی آن دلالتی برای تعیین محتوای درسی مهد کودک می‌توان یافت. بر اساس یافته‌های این مقاله، اهداف عملیاتی تربیت که مقدمه محتوای آموزشی مهد کودک هستند، دستکم هفت ساحت تربیتی را شامل می‌شود. روشی که در این مقاله به کار گرفته شده است همان روش شناخته‌شده حوزه‌های علمیه یعنی فقه‌ای است. بدین ترتیب که محقق با مراجعه به آیات و روایات و با استفاده از قواعد اصولی و فقهی، حکم موضوعات، چه هنجاری و چه توصیفی را کشف می‌کند. پیشنهاد اصلی این مقاله این است که حوزه‌های علمیه با توان علمی و معنوی خود به این موضوع به عنوان موضوع با اولویت پردازند و نمونه‌های اجرایی نیز با همکاری آموزش و پرورش راه‌اندازی شود.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۸/۲۳؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵.

** دانشجوی دکتری گروه علمی فقه تربیتی، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول).
sadeghsangi@gmail.com

*** گروه علوم تربیتی، مجتمع عالی فقه، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ایران.
toroghimajid@gmail.com

**** استاد فقه و اصول حوزه علمیه قم، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ایران.
hshakoori11@gmail.com

واژگان کلیدی: فقه تربیتی، مهد کودک، کودک اول، کودک دوم، اهداف عملیاتی تربیت، محتوای درسی.

مقدمه

نگاه سرمایه‌داری مدرن به جهان هستی به‌عنوان منبع انرژی و مواد اولیه تولید ثروت و نقش انسان در آن به‌عنوان صرفاً یک روبات فوق هوشمند توسعه صنعتی و البته توزیع‌کننده و مصرف‌کننده تولیدات انبوه آن است. به‌همین دلیل کلیه رفتارهای گذشته که با این نگاه در تعارض بوده را با سرعت زیادی تغییر داده است. قطعاً یکی از مهم‌ترین شتاب‌دهنده‌های این فرهنگ منحط غربی، تغییر الگوی اقتصادی و بویژه تغییر در الگوی نیروی کار در جوامع بوده است. رشد سرسام‌آور صنعت و نیاز به نیروی کار ارزان برای ماندن در بازار رقابتی افسار گسیخته، موجب ورود زن‌ها به‌عنوان نیروی کار ارزان و کم‌دردر به‌چرخه تولید شد. بنابراین، در اثر رشد اقتصادی جوامع و تغییر الگوی مصرف به‌مرور زمان تامین مخارج یک زندگی نسبتاً پرخرج برای مردان به‌عنوان سرپرستان سنتی خانواده‌ها دیگر به‌تنهایی امکان‌پذیر نبود و به‌ناچار زنان وارد شبکه وسیع کار بیرون از خانه شدند. اگرچه نیروی کار جدید عموماً به‌دلیل عدم تناسب ساختار فیزیکی و کاربری آنان در این چرخه با حمایت‌هایی همراه شدند؛ ولی همچنان چرخ‌های توسعه مجالی برای ایفای کامل نقش مادری و تربیت کودکان را به‌ایشان نمی‌داد. عدم حضور دایمی دست‌کم یکی از والدین در مدت شبانه‌روز، نگهداری فرزندان را با آسیب جدی مواجه کرد. از طرفی تغییرات سبک زندگی، ادامه فرایند تربیت به‌شکل سنتی را به‌مخاطره انداخت. عدم حضور کودکان در جمع فامیل و تغییر الگوی روابط فامیلی، نبود فضای کافی برای تفریح و سرگرمی خلاقانه و تغذیه نامناسب به‌دلیل مشغله فراوان سرپرستان خانواده، همچنین نیاز به آموزش‌های جدید مطابق نیاز جامعه صنعتی، در ابتدا و ناخواسته، موجب پیدایش مراکز نگهداری کودکان، و در انتها و ناچاراً، موجب تشکیل مقطع جدید تحصیلی در جوامع در حال توسعه و توسعه یافته شد.

متأسفانه ایران نیز از این تحولات نه تنها بی‌نصیب نبوده است؛ بلکه امروزه با تخریب فرهنگ اصیل و اسلامی توسط رژیم سرمایه‌داری، قبل از انقلاب و عدم انسجام برنامه‌ریزی فرهنگی، علی‌رغم تلاش گسترده دلسوزان فرهنگی بعد از انقلاب، شاهد رسوخ و رسوب این فرهنگ غلط در جامعه دینی مان هستیم.

در زمان حاضر شیوع مهدهای کودک به عنوان یک واقعیت و ضرورت در جلوی چشم ناظران تربیتی خود نمایی می‌کند. از طرفی اهمیت شکل‌گیری شخصیت انسان در سنین اولیه رشد و حضور بلند مدت کودکان در مهدهای کودک می‌تواند برای مصلحان، مربیان و اولیای کودکان حساسیت و توجه ویژه‌ای را بوجود آورد. به‌طور اساسی شکل‌گیری این گونه مراکز با این حجم و با این گستره و نبود تحقیقات کافی بر اساس مبانی دینی بویژه با رویکرد فقهی و با روش اجتهادی، می‌تواند به‌عنوان ضرورت و الویت تحقیق شمرده شود. بر اساس مفاد اسناد دینی (العلم من الصغر کالتنش فی الحجر، مجلسی، ج ۱، ص ۲۲۴) و البته یافته‌های علم روان‌شناسی رشد، سال‌های اولیه عمر انسان‌ها، سال‌های طلایی شکل‌گیری شخصیت آن‌ها شمرده می‌شود و هر آن‌چه در این سنین کسب شود؛ می‌تواند تأثیرات ماندگاری را در شخصیت سال‌های بزرگسالی داشته باشد؛ بنابراین، در اثر بی‌توجهی والدین و کارگزاران به این موضوع، خسارات جبران‌ناپذیری را به‌باورها، گرایش‌ها و رفتار سال‌های بزرگسالی ممکن است وارد شود.

باید گفت متأسفانه تاکنون تحقیقات منسجمی با رویکرد فقهی نیز در این زمینه انجام نشده است و یا حداقل به‌چاپ نرسیده است. منابع موجود نیز با استفاده سطحی از آیات و روایات نه تنها راه حلی ارائه نکرده است بلکه بر پیچیدگی موضوع نیز افزوده است. آن‌چه حل مسأله را سخت تر می‌کند این است که در سال‌های اخیر، متأسفانه با اشاعه سند کنوانسیون حقوق کودک و اجرای بدون قید و شرط سند ۲۰۳۰ از طریق برخی کارگزاران غیر مسوول کشور، شاهد تغییرات نگران‌کننده‌ای در شیوه تربیتی و محتوای آموزشی نهاد آموزش و پرورش بویژه مهدهای کودک هستیم. به‌طوری که حتی با بررسی اولیه نیز می‌توان فهمید برخی از این تغییرات با مفاد دینی در تعارض جدی است. نگرانی‌های والدین و مسوولان دلسوز و هشدارهای اخیر رهبر معظم انقلاب (بر اساس گزارش‌های رسیده وضعیت مهد کودکها به‌هیچ وجه خوب نیست و نباید به‌مهد کودکها نگاه مراکز خدماتی داشت؛ بلکه مراکز مهم آموزشی و تربیتی هستند. بیانات مقام معظم رهبری (۹۹/۶/۱۱) را نیز باید به‌این موضوع افزود.

اهداف تربیت

اهداف، در هر الگوی تربیتی جهت کلی حرکت تربیتی را نشان می‌دهد. باید در نظر داشت

اهداف به دو دسته تقسیم می‌شوند. اول، اهداف کلی که جهت کلان تربیت را بیان می‌کنند؛ دوم، اهداف عملیاتی که نقشه راه و نشانه گذاری مسیر را نمایش می‌دهند (سنگی، ۱۴۰۲: ۱۴۸). همان گونه که بیان شد و به هر حال، مهد کودک دومین نهاد اجتماعی است که کودک بعد از خانواده، به آن وارد می‌شود و باید بخشی از اهداف عالی رشد و تعالی انسان را تامین کند. اهداف کلان، نیاز به بررسی مستقلی دارد که در این مجال نمی‌گنجد و این مقاله تنها به تبیین اهداف عملیاتی تربیت از نظر فقه تربیتی می‌پردازد.

۱/۱. اهداف عملیاتی تربیت مهد کودک

برای این که بتوان به برنامه آموزشی مهد کودک به عنوان یکی از مراحل اصلی الگوی تربیتی مهد کودک دست یابیم، ابتدا لازم است اهداف عملیاتی تربیت را تعیین کنیم (سنگی، ۱۴۰۲: ۷۶). در ادامه با بررسی آیات و روایات مربوط به کودک، اهداف عملیاتی با رعایت ابعاد و ساحات تربیتی ارزیابی خواهد شد.

به طور طبیعی نمی‌توان با تربیت تک بعدی و تک ساحتی مواجه شد. امروزه هیچ دانشمندی به این موضوع معتقد نیست و تربیت متوازن و متعادل در برنامه کاری تمامی دانشمندان تربیت قرار دارد. برای اثبات این موضوع از کتاب‌های شهید مطهری (مطهری: ۷۸) در گذشته و تالیفات اعرافی (اعرافی ج: ۱: ۳۴۵-۳۴۹). در زمان معاصر، می‌توان یاد کرد. نگارنده با استقرار وسع و تتبع خود، تنها به اهداف عملیاتی برخی ساحات تربیتی دست یافته است. دور از انتظار نیست اگر این پژوهش، در حوزه‌های علمیه و با روش فقه‌پژوهی ادامه یابد، ممکن است اهداف عملیاتی دیگر ساحات تربیتی از ادله فقهی نیز به دست آید.

۱/۲. ساحت تربیت جسمانی

آیات و روایات متعددی در مورد دوره اول و دوم کودکی آمده است. مشهورترین آیه قرآن کریم در این مورد آیه شریفه ۲۳۳ سوره بقره است، که اشاره مستقیم به اهمیت تغذیه فرزند در دوره اول کودکی دارد. شارع مقدس در پی وضع قوانینی است که تکلیف این موضوع به وضوح مشخص باشد. در ادامه به آیه پرداخته می‌شود.

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و مادران اولاد خودشان را دو سال تمام شیر دهند، برای آن که بخواهد تمام شیر دهد و روزی و جامه مادران به اندازه معروف بر کسانی است که فرزند برای آن‌ها زاییده شده، هیچ نفسی جز به اندازه گنجایش و طاقت او تکلیف نمی شود، مادر به فرزندش زیان نرساند و آن که فرزند برای او زاییده شده [یعنی پدر] نیز به فرزندش زیان وارد نکند و بر گردن وارث پدر نیز همین وظیفه است، پس اگر از روی تراضی و مشورت پدر و مادر اراده فصال نمودند باکی بر آن‌ها نیست و اگر بخواهید برای فرزندان دایه بگیرید که آن‌ها را شیر دهند بزه [ای] بر شما نیست هر گاه تسلیم کنید به اندازه معروف آن چه داده اید و از نافرمانی خدا پرهیزید، به درستی که خدا به آن چه می کنید بینا است» (سوره بقره/ ۲۳۳).

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ»، ظاهر این جمله وجوب «ارضاع» مادر است، لکن مشهور و معروف بین علماست که شیر دادن طفل بر مادر واجب نیست، بلکه خلافتی در این مسأله نیست. این جمله اگرچه به لسان خبر است، ولی در مقام امر است و دلالت آن بر وجوب، موکدتر از امر است، لکن به واسطه قراین داخلی و خارجی، از ظاهر آن صرف نظر شده، بر استحباب حمل شده است. قراین داخلی، جملاقی است که بعد از این جمله ذکر شده، مانند جمله «لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» و جمله «عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ» و جمله «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا» و جمله «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» و جمله «وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا» که بیان هر یک می آید. قراین خارجی، اخباری است که در این مورد رسید، مانند خبری که سلیمان بن داوود از حضرت صادق (ع) از رضاع می پرسد، حضرت می فرماید: «لَا تُجَبِّرُ الْمَرْأَةَ عَلَى إِرْضَاعِ الْوَلَدِ؛ مَادَرِ لِلْمَوْلُودِ نَزَادَ مَجْبُورٍ نَمِي شُود (حر عاملی، ج ۲۱: ۴۵۲). بعضی تفصیل داده اند که اگر خود فرزند [شیرخوار] مالی دارد، از آن مال برای او دایه بگیرند و گرنه بر پدر از باب وجوب نفقه، ارضاع او واجب است. اگر پدر تنگ دست باشد شیر دادن،

بر مادر واجب است، مگر اینکه مرضه‌ای پیدا شود که رایگان طفل را شیر دهد. چنان‌که نفقه طفل در صورت مفروض، بر مادر واجب است. لکن این تفصیل تمام نیست؛ زیرا اول این‌که وجوب انفاق از حیث واجب‌النفقه بودن و مسأله شیر دادن از حیث مادر بودن، دو امر است. دوم این‌که ممکن است در این صورت مادر اجرت دهد و مرضه بگیرد (طیب، ج ۳، ذیل آیه ۲۳۳ سوره بقره). بنابراین، مشاهده می‌شود تغذیه کودک برای شارع مقدس به قدری اهمیت دارد که وجوب نفقه ارضاع و اجرت آن را نیز تعیین کرده است. در این مورد آیات دیگری هم می‌توان اشاره کرد که با توجه به صراحت این آیه شریفه، بی‌نیاز از اشاره به بقیه آیات هستیم.

۱/۱/۱. روایات ساحت تربیت جسمانی

با بررسی روایات این باب، اضافه بر آیات مرتبط، می‌توان به اهمیت آموزه‌های اسلام به تربیت جسمانی به‌ویژه در مورد کودک پی برد. توجه به تغذیه کودک از بدو تولد تا دو سالگی و واکاوی حقوقی آن و همین‌طور در دیگر مراحل رشد، می‌تواند دلیلی بسیار خوب بر کامل بودن دین اسلام باشد و توجه به ساحت تربیت جسمانی نشان از سرمایه‌گذاری بلندمدت اسلام در تربیت منابع انسانی است. در ادامه به برخی روایات این باب به لحاظ سندی و دلالتی خواهیم پرداخت.

روایت اول

الإمام الصادق (ع): أَطْعَمُوا صِبْيَانَكُمْ الرُّمَانَ؛ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لَشَبَابِهِمْ؛ به کودکانان انار بدهید، چرا که مایه زودتر جوان شدن آنهاست (مجلسی، ج ۶۶: ۱۶۴).

روایت دوم

الإمام علی (ع): أَطْعَمُوا صِبْيَانَكُمْ الرُّمَانَ؛ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لِأَلْسِنَتِهِمْ؛ به کودکانان انار بدهید؛ چرا که مایه رویش شتابنده‌تر باز شدن زبان آنهاست (طوسی، ح ۷۵۳: ۳۶۲).

روایت سوم

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) لِلْحَسَنِ ابْنِهِ (ع): يَا بُنَيَّ، أَلَا أَعَلَّمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ

تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ؟ فَقَالَ: بَلَى، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: لَا تَجْلِسَ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ جَائِعٌ، وَلَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ وَجُودِ الْمَضْغِ وَإِذَا نِمْتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْنَيْتَ عَنِ الطَّبِّ؛ پسر! آیا تو را چهار نکته نیاموزم که به کمک آن‌ها از طب، بی‌نیاز شوی؟». گفت: چرا، ای امیر مؤمنان! فرمود: «بر سفره نشین، مگر آن هنگام که گرسنه‌ای؛ و از سفره برنخیز، مگر در حالی که هنوز، میل خوردن داری؛ خوب بجو؛ و به‌گاه خفتن، خودت را بر خلا عرضه کن. اگر این چهار نکته را به‌کار بستی، از طب، بی‌نیاز می‌شوی (شیخ صدوق: ۲۲۹؛ مجلسی، ج ۶۲: ۲۶۷).

بررسی سندی

روایت اول از نظر سندی معتبر است. عبدالرحمن بن حجاج بجلی کوفی معروف به بیاع سائری از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) و از وکیلان امام صادق (ع) بود. او تا زمان امامت امام رضا (ع) زنده بود و در زمان ایشان از دنیا رفت. امامان هم عصرش او را در روایات متعددی مدح کرده‌اند و در کتاب‌های رجالی نیز مدح شده و مورد اعتماد است. بنابر قولی، مدتی اعتقاد به فرقه کیسانیه و واقفیه داشت؛ اما سرانجام از عقاید خویش بازگشت و با ولایت امام رضا (ع) از دنیا رفت (تارنمای ویکی شیعه، مدخل عبدالرحمن بن حجاج بجلی). محقق خویی در کتاب معجم رجال خود مشایخ و شاگردان او را ذکر می‌کند که همگی ثقه هستند (خویی، ج ۱۰: ۳۴۴). روایت دوم نیز طبق نظر محقق خویی به نقل از نجاشی در مدخل ۸۳۴۲ آورده است:

علی بن علی بن رزین بن عثمان بن عبدالرحمان بن عبدالله بن بدیل بن وراق الخزاعی، أبو الحسن، أخو دعبل بن علی. ما عرف حدیثه إلا من قبل ابنه إسماعیل، له کتاب کبیر عن الرضا (ع). بنابراین، علی بن علی از اصحاب امام رضا (ع) شمرده شده و ردعی در کتب معتبر ندارد. روایت سوم از اصبع بن نباته نقل شده است. اصبع بن نباته تمیمی حنظلی مجاشعی (قرن اول هجری)، از یاران امام علی (ع) استوی اهل کوفه بود و در دوران خلافت امیرالمومنین (ع)،

۱. خَلا: مَبْرَز، مستراح (لغت‌نامه دهخدا).

یکی از نام‌دارترین و استوارترین یاران امام علی (ع) و از اعضای شرطه‌الخمیس شمرده می‌شد (تارنمای ویکی شیعه، مدخل اصبغه بن نباته). مایه شهرت اصبغ، شخصیت روایی او است، رجال‌شناسان شیعی او را از ثقات برجسته شمرده‌اند (حر عاملی، ج ۲۰: ۱۴۲-۱۴۳).

بررسی دلالی

حدیث به اهمیت تغذیه کودک به روشنی دلالت دارد. افزون بر این که به اهمیت تغذیه می‌پردازد، به نوع تغذیه نیز اشاره می‌کند و می‌فرماید هر غذایی برای بخشی از جسم کودک اثر دارد و باید به این توجه شود. بنابراین، در تربیت جسمانی کودک باید اهمیت بسیار داده شود و به طبع، در مهد کودک باید یکی از شرایط آن اهمیت تغذیه باشد. تغذیه‌ای که در این سن در برنامه روزانه مهدها آورده می‌شود، باید به این مسایل دقت شود.

در روایات دیگری نیز شرایطی که برای شیر دادن اجبر می‌شود آمده است (شیر دادن زن ابله یا زنا زاده منع شده است). این که در روایات، به علت تغذیه نیز اشاره می‌شود، می‌توان به اهمیت منحنی رشد و عوامل تاثیرگذار در آن از نظر فقه اسلامی پی برد. اگرچه در روایات، صیغه امر آمده و امر، ظهور در وجوب دارد، اثبات وجوب بی مؤونه نیست، ولی دست‌کم استحباب قابل اثبات است.

۱/۲. تربیت عاطفی

تعریف ساحت تربیت عاطفی، با اختلاف نظرات دانشمندان تربیتی از پیچیدگی برخوردار است. ابعاد وجودی انسان، شامل شناخت، عاطفه و رفتار است و بر همین اساس، در هر ساحت، ابعاد سه‌گانه مذکور لحاظ شود. اما بُعد عاطفی با ساحتی عاطفی تفاوت دارند. منظور از ساحت عاطفی در این جا، مدیریت نیازها، احساسات، گرایش‌ها، انگیزه‌ها و هیجانات کودک است. به این بیان که، قلب، منشأ درک احساسات انسان است و احساسات، بر اساس هرم نیازهای اصلی و طبیعی انسان شکل می‌گیرد و گرایش‌ها، منبعث از احساسات شخص در مواجهه با نیازهای او تولید می‌شود و در نهایت با انگیزه‌های شخصی و نوعی، هیجانات را ایجاد می‌کند. این فرایند در کودک نیازمند شناخت دقیق تمامی اجزای عاطفی او است. بر این

اساس، تربیت عاطفی در اسلام، والدین را متولی آموزش و مدیریت عواطف کودکان می‌داند.

۱/۲/۱. توجه به گریه کودک

کودک در منظر روایات، از محیط خود تاثیر می‌پذیرد، به گونه‌ای که بسیاری از عمل کرد والدین و مربیان خود را حتا در سنینی که قادر نیست احساسات خود را ابراز کند، درک می‌کند و از گرایش‌ها و رفتار اطرافیان اثر می‌پذیرد. در این زمینه روایاتی وجود دارد که مشخص می‌شود معصومان (ع) به این مطلب توجه داشتند و اطرافیان نیز آموزش داده‌اند. در این جا برای نمونه به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود.

در روایتی از امام صادق (ع) در مورد اهمیت توجه به گریه کودک آمده است:

الإمام الصادق (ع): صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ - (ص) الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ فَخَفَّفَ الصَّلَاةَ فِي الرَّكَعَتَيْنِ، فَلَمَّا انصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ- أَحَدَثَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ؟ قَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالُوا: خَفَّفْتَ فِي الرَّكَعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ! فَقَالَ لَهُمْ: أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ؟؛ امام صادق (ع): پیامبر خدا، نماز ظهر و عصر را خواند و دو رکعت [آخر] را سریع به جا آورد. [بعد از نماز] مردم به ایشان گفتند: ای پیامبر خدا! در [بار] نماز، چیز تازه‌ای آمده است؟ فرمود: «این [سؤال] به دلیل چیست؟» گفتند: دو رکعت آخر را سریع خواندی، فرمود: «آیا صدای گریه کودک را نشنیدید؟» (طوسی، ج ۳: ۲۷۴؛ کلینی، ج ۶: ۴۸).

بررسی سندی

سند این روایت علی بن ابراهیم عن ابيه عن عبدالله بن المغيرة عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله (ع) است و همه روایان آن ثقة هستند و روایت صحیح است.

بررسی دلالی

در این روایت اشاره مستقیم به اهمیت احساسات کودک حتا در کارهای روزانه دارد. حضرت

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توان به کتاب «اهداف عملیاتی تربیت» انتشارات بین‌المللی المصطفی ﷺ و یا مقاله «درآمدی بر تعریف تربیت عاطفی از منظر فقهی» تألیف نگارنده ارائه شده در همایش علوم تربیتی دانشگاه شیراز مراجعه نمایید.

در موقع نماز که معمولا از تعلقات دنیوی فارغ بودند؛ به‌گریه و ناراحتی کودک توجه داشتند و نماز خود را علی‌رغم تعجب مردم - که به‌خودی خود می‌تواند به‌وجهه ایشان به‌عنوان یک رهبر بزرگ دینی خدشه وارد کند - زودتر تمام می‌کنند و به‌وضعیت کودک توجه می‌دهند. بنابراین، یکی از اهداف تربیتی کودک توجه به‌عاطفه و احساسات او است.

۱/۲/۲. توجه به‌اقتضائات بچگی

مکرر اتفاق می‌افتاد که کودکی را خدمت پیامبر خدا (ص) می‌آوردند که برای او دعا کند. ایشان کودک را در بغل می‌گرفت و هنگامی که مشغول دعا خواندن می‌شدند، کودک لباس ایشان را آلوده می‌کرد. زمانی که والدین یا اطرافیان می‌خواستند کودک را از ایشان جدا کنند تا از آلوده‌تر شدن بیشتر لباس‌های ایشان جلوگیری شود، ایشان مانع می‌شدند، چرا که پیامبر اکرم (ص) می‌دانستند این رفتار کودک اقتضای کودکی او است و برخورد قهر آمیز با او بی‌احترامی به‌احساسات کودک است و آثار نامطلوبی برای تربیت عاطفی وی در پی خواهد داشت (محمدی ری‌شهری: ۱۱۹).

این سیره به‌خوبی نشان می‌دهد در تربیت کودک به‌ویژه کودکی اول، رعایت اقتضاهای آن بسیار مورد اعتنای شارع مقدس است؛ تا جایی که تحمل نجاست پیامبر (ص) بر عدم جلوگیری از قضای حاجت کودک اولویت پیدا می‌کند.

۱/۳. ساحت تربیت علمی

۱/۳/۱. آموزش ارزش علم به‌کودکی

اهمیت علم‌آموزی در اسلام بر کسی پوشیده نیست. تبدیل جزیره‌العربی که در زمان رسول‌الله (ص) تنها ۱۷ نفر سواد خواندن و نوشتن داشتند، تنها در طول بیست و سه سال، قلمرو مسلمانان به‌رشدی رسید که افزون بر سواد خواندن و نوشتن، تسلط بر علوم بسیاری از قبیل تفسیر، قرائت قرآن، طب، نجوم و ... به‌طور کامل مشهود بود. روایات متعددی در زمینه اهمیت علم‌آموزی از زبان رسول‌الله (ص) به‌دست ما رسیده است. در ادامه برخی از این روایات بررسی خواهد شد.

روایت اول

رسول‌الله (ص): **مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ، وَمَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي كِبَرِهِ**

كَالَّذِي يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ؛ پیامبر خدا (ص): حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد، همانند نقش کندن بر سنگ است و حکایت کسی که در بزرگ سالی می‌آموزد، همانند کسی است که بر آب می‌نویسد (متقی هندی، ج ۱۰: ۲۴۹؛ نقلاً عن الطبرانی، ج ۴: ۱۳۵) و فيه «کمثل الوشم علی الصخرة» بدل «کالمنقش فی الحجر» و کلاهما عن أبي الدرداء.

بررسی سندی

این روایت از طریق طبرانی از عامه روایت شده است. طریق دیگر آن با کمی تفاوت نیز توسط ابو دردا روایت شده است که او هم اهل عامه است. ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لخمی شامی (۲۶۰-۳۶۰ ق)، از محدثان و راویان بزرگ اهل سنت است که به دلیل اصالت وی از شهر طبریه شام بدانجا منسوب است و خاصه به وثاقت او اعتراف دارد و به روایات او عمل اعتنا دارد. دیلمی، ابوشجاع شیرویه، فرزند شهردار (۴۴۵-۵۰۹ ق/۱۰۵۳-۱۱۱۵ م)، مورخ و محدث شافعی اهل همدان و مؤلف کتاب الفردوس است. وجود برخی احادیث سبب شده است تا الفردوس یا «مسند» آن توسط شهردار، (فرزند دیلمی) به عنوان منبعی قابل استفاده برای عالمان شیعه قرار گیرد. برای نمونه، روایتی در باب مهدویت و تصریح به یکی از فرزندان حضرت فاطمه (ع) به عنوان مهدی موعود توجه کسی چون ابن طاووس را جلب نموده است (الطرائف، ۱۷۵-۱۷۶) براساس وجود چنین روایاتی است که ابن بطریق زمانی که در صدد بررسی مناقب امام (ع) بود، به عنوان یکی از منابع اصلی خود نام الفردوس دیلمی را در مقدمه‌اش آورده (ص ۱۷) و با معتبر خواندن آن (ص ۴۳۹) بسیار از آن استفاده کرده است (ص ۵۷، ۹۱، ۲۰۹). فزونی استفاده عالمان شیعی از این اثر (برای دیگر نمونه‌ها (ن.ک. ابن طاووس، اقبال، ۱/ ۱۵۳؛ مازندرانی، ۶/ ۲۵۷؛ حر عاملی، ۳۰۷؛ بحرانی، ۱/ ۳۸۱؛ نقوی، ۴/ ۵۱؛ مجلسی، محمدتقی، ۲/ ۴۶۰، ۳/ ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۵۳؛ مجلسی، محمدباقر، ۴۰/ ۷۵، ۴۳/ ۳۱۵) سبب شد تا آقابزرگ تهرانی ضمن نام بردن از این اثر در الذریعة، تصریح کند که مؤلف آن در شمار «اصحابنا» نیست و از اهل سنت است (۱۶/ ۱۶۴) (حاج منوچهری، مدخل دیلمی، ابوشجاع). بنابراین، سند روایت موثق است و می‌توان بدان عمل کرد.

بررسی دلالی

هرچند در حدیث بازه زمانی کودک ذکر نشده است ولی به احتمال زیاد دوره دوم کودکی را

شامل می‌شود، چرا که صغر و صغیر کودک نابالغ را می‌گویند. بنا بر دستوراتی که در برخی روایات به آموزش کودک دوره دوم اشاره شده است^۱، می‌توان اهمیت علم‌آموزی را به این دوره نیز نسبت داد.

روایات دوم

الإمام علی (ع): **مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ؛** فرزندانان را به آموختن دانش، امر کنید. (المتقی الهمدی، ج ۱۶: ۵۸۴).

عنه (ع): **مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ** (هر کس در خردسالی بپرسد، در بزرگی سالی پاسخ می‌دهد (آمدی، ح ۸۲۷۳؛ واسطی: ۴۴۷)).

بررسی سندی

روایت اول از اهل عامه نقل شده است، ولی خاصه به روایات کنز العمال اعتنا می‌کنند؛ بنابراین، روایت حسن است. روایت دوم نیز که در غرر ذکر شده است، هر چند کتاب دارای احادیث خوبی است ولی روایات آن مرسل است.

بررسی دلالی

این دو روایت به اهمیت علم‌آموزی در کودکی اشاره دارد. هر چند به دوره خاصی اشاره ندارد و مطلق است، می‌تواند به دوره دوم کودکی که زبان در حال رشد است نیز توصیه شده باشد. روحیه پرسش‌گری از انتهای کودکی دوم شروع می‌شود و در کودکی دوم ادامه می‌یابد. طبق این روایات تایید و همراهی با این روحیه توصیه شده است. امروزه منابع درسی فلسفه برای کودکان (فبک) رو به افزایش است و می‌توان به این استناد شود.

۱/۴. ساحت تربیت اخلاقی

۱/۴/۱. ادب‌آموزی

با مروری کوتاه به معارف اسلامی و حتا آموزه‌های دست‌خورده شریعت‌های دیگر، می‌توان فهمید که یکی از اهداف بعثت پیامبران، چه پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) و

۱. البلوغ: الوصول. - اصطلاحاً: انتهاء حد الصغر (ابن عابدین)، قاموس الفقهي لغةً واصطلاحاً: ۴۱، مدخل بلوغ.

چه پیامبران پیش از ایشان (علی نبینا و آله و علیهم السلام) تربیت اخلاقی همه بشر بوده است.^۱ به طور کلی، انسان‌ها برای زندگی اجتماعی خود قبل از هر چیز نیاز به محتوایی برای تحمل اختلافات و پوششی برای کنترل عدم یکسان نوع بشر دارند. آموزه‌هایی که بتواند در شرایط گوناگون روزگار و با تفاوت‌های آشکار و پنهان انسان‌ها بتوان برای آن‌ها زندگی قابل تحملی را در پی داشته باشد. طبیعی است که برخی از این آموزه‌های مربوط می‌شود به چگونگی تعامل انسان‌ها با هم که معمولاً در ذیل عنوان علم اخلاق گنجانده می‌شود. از آن‌جا که طبق روایات، مناسب‌ترین زمان یادگیری در دوران کودکی ذکر شده است؛ روایات این باب را می‌توان که با محتوای آموزشی مهد کودک ارتباط دارد، مرور کرده و استنتاج‌های خود را ذکر می‌کنیم.

روایت اول

عنه (ص): ما وَرَّثَ وَالِدٌ وَوَلَدًا خَيْرًا مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ؛ هیچ پدری چیزی بهتر از تربیت نیک برای فرزندش به ارث نگذاشته است (طبرانی، ج ۴ ص ۷۷)؛ عن سالم بن عبدالله عن أبيه، (متقی هندی، ج ۱۶: ۴۶۰)، نقلاً عن العسکری وابن النجار.

روایت دوم

الإمام الصادق (ع): إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَّثَ الْأَبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ؛ فَإِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ وَالْأَدَبُ يَبْقَى؛ بهترین چیزی که پدران برای پسرانشان به ارث می‌گذارند، تربیت است، نه مال؛ چرا که مال می‌رود و تربیت می‌ماند (کلینی، ج ۸: ۱۵۰)؛ عن مسعدة بن صدقة، (آمدی، ح ۵۰۳۶) نحوه.

روایت سوم

عنه (ع): قَالَ لُقْمَانُ: يَا بُنَيَّ إِنْ تَأَدَّبْتَ صَغِيرًا انْتَفَعْتَ بِهِ كَبِيرًا وَمَنْ عَانَ بِالْأَدَبِ اهْتَمَّ بِهِ وَمَنْ اهْتَمَّ بِهِ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ وَمَنْ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ اشْتَدَّ لَهُ طَلِبُهُ، وَمَنْ اشْتَدَّ لَهُ طَلِبُهُ أَدْرَكَ بِهِ مَنَفَعَةً (فی تفسیر القمی: «مَنْفَعَةٌ» وَهُوَ الْأَصُوبُ)، (لقمان گفت: ای فرزندم! اگر در کودکی تربیت شدی، در بزرگ

۱. انما بعثت لاتمم مكارم الاخلاق به درستی که من برای اتمام مكارم اخلاقی مبعوث شدم. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

سالی از آن بهره مند می‌شوی. هر کس آهنگ تربیت کند، به آن اهتمام می‌ورزد و هر کس به آن اهتمام ورزد، برای دانستن آن، خود را به زحمت می‌اندازد و هر کس خود را برای دانستن آن به زحمت می‌اندازد، به شدت در جست‌وجوی آن می‌شود و هر کس جست‌وجوی شدت یابد، از آن، بهره مند می‌شود. قمی، ج ۲: ۱۶۴ نحوه (مجلسی، ج ۱۳: ۴۱۱).

بررسی سندی

روایت اول از کتاب طبرانی است و قبلاً در جایگاه این راوی صحبت شد و به طور مختصر روایات ایشان در خاصه تایید دارد. روایت دوم از مسعده و ضعیفه است، چون مسعده توثیق ندارد. برخی مانند محقق خویی و محقق بروجردی مسعده بن صدقه را همان مسعده بن زیاد می‌دانند که از طرف امام رضا (ع) وثاقت دارد. ولی برخی، شواهد ذکر شده توسط این دو محقق را نمی‌پذیرند و لذا بدون توثیق است (درس خارج شیخ جواد مروی ۱۳۹۵/۰۹/۲۲). روایت سوم نیز از حماد بن عیسی است که ایشان نیز مورد وثوق است.

بررسی دلالی

تمامی این روایات به اهمیت پرداختن به ادب‌آموزی در کودکی تصریح دارد و دست‌کم استحباب آن را در پی دارد.

۱/۵. ساحت تربیت اعتقادی

۱/۵/۱. آموزش ولایت به کودک

الكافی عن سلیمان بن خالد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ لِي أَهْلِي بَيْتٍ وَهُمْ يَسْمَعُونَ مِنَّا، أَفَأَدْعُوهُمْ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ؛ بِهِ نَقَلَ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ بِهِ إِمَامٌ صَادِقٌ (ع) كَقَوْلِهِ: مَنْ، خَانُوهُ أَيْ دَارِمُ كَمَا مِنْ، حَرْفُ شَنْوَى دَارِنٌ، أَيَا أَنَانَ رَا بِيهِ أَمْرٌ (ولایت) فراخوانم؟ فرمود: «بله. خداوند عز و جل در کتاب خود می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید! خودتان و خانواده تان را از آتشی نگه دارید که آتشگیره آن، مردم و سنگ‌ها هستند» (کلینی، ج ۲: ۲۱۱؛ برقی، ج ۱: ۳۶۲؛ مجلسی، ج ۷۴: ۸۶). يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ

أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید خود و اهل تان را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ است، حفظ کنید (تحریم/۶).

بررسی سندی

سند این روایت صحیح است و سلیمان بن خالد موثق است.

بررسی دلالی

همان گونه که در روایت آمده است آموزش اصل ولایت به فرزندان و اهل بیت سؤال کننده مطرح شده است؛ و امام (ع) ضمن تایید دعوت فرزندان به اطاعت از ولایت، به آیه شریفه و قایه استناد می‌کنند. متعلق این روایت به طور مطلق خانواده فرد مخاطب است. اهل بیت نیز در بررسی کتاب تربیت فرزند، شامل فرزندان و والدین است (اعرافی: ۲۶)؛ بنابراین، و بنا بر روایت آموزش در کودکی، دست کم شامل کودکی دوره دوم هم می‌شود. در این روایت، به بعد شناختی تربیت اعتقادی اشاره شده است.

۱/۵/۱. آموزش محبت پیامبر و اهل بیت به کودک

رسول الله (ص): أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَعَلَى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ فرزندان تان را با سه ویژگی تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن (هیشمی: ۱۷۲؛ قندوزی، ج ۲: ۴۵۷، ح ۲۶۸؛ متقی هندی، ج ۱۶: ۴۵۶).

بررسی سند

روایت از طریق عامه نقل شده است و در کتاب کنز العمال آمده است که روایات آن مورد اعتنای خاصه هست.

بررسی دلالی

در این روایت به سه چیز، امر شده است محبت پیامبر اکرم (ص)، محبت اهل بیت علیهم السلام و قرائت قرآن. ماده ادب و صیغه آن امر است و ظهور در وجوب دارد و دستکم استحباب آن قابل اثبات است. هرچند وجوب نیز خالی از وجه نیست. در این روایت به تربیت اعتقادی و در بعد عاطفی اشاره شده است.

۱/۶. ساحت تربیت عبادی

در روایات، تعلیم نماز و روزه به کودکان آمده است. در برخی از روایات حدود سن تربیت عبادی ذکر شده است. در برخی از روایات، شرط آموزش، میزان طاقت و فهم کودک ذکر شده است. در برخی دیگر، نشان‌گرهایی برای آشنایی والدین سخن از زمان شروع آموزش برنامه‌های عبادی به میان آمده است. در مجموع، از روایات این باب می‌توان استنباط کرد که تربیت اعتقادی از حدود انتهای کودکی اول شروع می‌شود و تا دوره دوم آن، امتداد می‌یابد.

روایت اول

الإمام علی (ع): إِذَا عَقَلَ الْغُلَامُ وَقَرَأَ شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ عَلَّمَ الصَّلَاةَ؛ هرگاه پسر به سن درک رسید و چیزی از قرآن را خواند، باید به او نماز آموخته شود (مغربی، ج: ۱؛ ۱۹۳؛ مجلسی، ج: ۸؛ ۱۳۳)

روایت دوم

عنه (ع): عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا ثَمَانَ سِنِينَ؛ به کودکان خود، نماز یاد دهید و آن‌گاه که به هشت سالگی رسیدند، از آنان بازخواست کنید (شیخ صدوق: ۶۲۶)؛ عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام؛ (ابن شعبه حرانی: ۱۱۵).

روایت سوم

عنه (ع): يَوْمَ الصَّبِيِّ بِالصَّلَاةِ إِذَا عَقَلَ وَبِالصَّوْمِ إِذَا أَطَاعَ؛ کودک، وقتی اهل درک شد، به نماز و وقتی توان یافت، به روزه امر می‌شود (مغربی، ج: ۱؛ ۱۹۳؛ مجلسی، ج: ۸۸؛ ۱۳۳).

روایت چهارم

الإمام الباقر (ع): إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ وَنَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْغَرْتُ {الْغَرْتُ: الْجُوعُ} (الصَّحاح، ج: ۱؛ ۲۸۸). «غرث» أَفْطَرُوا، حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيَطِيقُوهُ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا؛ ما کودکان

خود را وقتی پنج‌ساله‌اند، به‌نماز امر می‌کنیم؛ ولی شما کودکان را وقتی هفت‌ساله شدند، به‌نماز امر کنید. ما کودکان خود را وقتی هفت‌ساله‌اند، به‌روزه وامی‌داریم؛ به‌اندازه‌ای که توان دارند، چه تا نصف روز باشد یا بیشتر یا کم‌تر. وقتی تشنگی و گرسنگی بر آنان چیره شد، افطار می‌کنند تا این‌که به‌روزه، عادت کنند و توان آن را بیابند؛ ولی شما کودکان را وقتی نه‌ساله شدند، به‌اندازه‌ای که توان دارند، به‌روزه وا دارید و وقتی تشنگی بر آنان چیره شد، افطار کنند (کلینی، ج ۳: ۴۰۹؛ طوسی، ج ۲: ۳۸۰).

روایت پنجم

الإمام الباقر و الإمام الصادق علیهما السلام: إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ، يُقَالُ لَهُ: قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ يَتْرَكَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثَ سِنِينَ وَ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ وَ عِشْرُونَ يَوْمًا، فَيُقَالُ لَهُ: قُلْ: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ؛ وَ يَتْرَكَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: قُلْ: سَبْعَ مَرَّاتٍ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ». ثُمَّ يَتْرَكَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أَيُّهُمَا شِمَالُكَ؟ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يُقَالُ لَهُ: أَسْجُدْ. ثُمَّ يَتْرَكَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ، فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ: اغْسِلْ وَجْهَكَ وَ كَفَيْكَ، فَإِذَا غَسَلَهُمَا قِيلَ لَهُ: صَلِّ. ثُمَّ يَتْرَكَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ تِسْعُ سِنِينَ، فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ عِلْمُ الْوُضُوءِ وَ ضَرْبُ عَلَيْهِ وَ أَمْرٌ بِالصَّلَاةِ وَ ضَرْبُ عَلَيْهَا. فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ غَفَرَ اللَّهُ، عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ لِوَالِدَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ چون پسر به‌سه سالگی رسید، باید به‌او بگویند: هفت مرتبه بگو «لا إله إلا الله». سپس، رهایش کنند تا سه‌سال و هفت ماه و بیست روز او کامل شود. سپس باید به‌او بگویند: هفت مرتبه بگو «محمد رسول الله»؛ و او را رها کنند تا چهار سال او تمام شود. آن‌گاه باید به‌او بگویند: هفت مرتبه بگو «صلی الله علی محمد و آله». سپس رهایش کنند، تا پنج سال او تمام شود. آن‌گاه از او پرسند: دست چپ و راستت کدام است؟ اگر شناخت، باید صورتش را به‌سمت قبله برگردانده، به‌او بگویند: سجده کن. سپس، رهایش کنند تا هفت سال او تمام شود. پس وقتی هفت سال او تمام شد، باید به‌او بگویند: صورت و دو دستت را بشوی وقتی آن دو را شست، باید به‌او بگویند: نماز بخوان. سپس، رهایش کنند تا نه سال او تمام شود. وقتی تمام شد، وضو به‌او یاد داده شود و بر [ترک] آن، تنبیه گردد و به‌نماز، امر شود و بر [ترک] آن، تنبیه گردد. وقتی وضو و نماز را فراگرفت،

خداوند، او و پدر و مادرش را می‌آمرزد؛ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ (شیخ صدوق، ج ۱: ۲۸۱؛ شیخ صدوق: ۴۷۵)**.
وفیه «عن الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام» كلاهما عن عبد الله بن فضالة).

روایت ششم

عنه (ع) - لَمَّا سُئِلَ: - مَتَى تَجِبُ الصَّلَاةُ عَلَى الصَّبِيِّ؟ إِذَا كَانَ ابْنُ سِتِّ سِنِينَ، وَالصَّيَامُ إِذَا أَطَاقَهُ (در پاسخ به این سؤال که چه هنگام، نماز بر کودک لازم می‌شود؟ مقصود، لزوم تعلیم نماز است. : [نماز،] هنگامی که شش ساله باشد و روزه، هنگامی که توان آن را داشته باشد (کلینی، ج ۳: ۲۰۶). عن الحلبي و زرارة عن إسحاق بن عمار نحوه (طوسی، ج ۲: ۳۸۱).

بررسی سندی

روایت اول و سوم مرسل است. روایت دوم، چهارم و ششم صحیح است. روایت پنجم به دلیل عدم وثاقت ابن فضاله، ضعیف است.

بررسی دلالی

روایات این باب به طور مشخص به نماز و روزه برای کودکان که قبلاً بیان شد که عرب واژه «صبی» را در مورد کودکان دوره دوم بیشتر به کار می‌برند، امر کرده است. این امر، دست‌کم استحباب را ثابت می‌کند، چرا که قبل از بلوغ امر به غیر واجب خواهد بود. از طرفی ممکن است گفته شود امر به امر در این روایات را می‌توان برای ولی واجب دانست. چرا که از باب مقدمه علمیه، لازم است قبل از بلوغ کودک آمادگی لازم برای نماز و روزه را پیدا کند.

۱/۷. تربیت جنسی

اسلام، به حیا و عفت در خانواده اهمیت بسیار می‌دهد. بر اساس تعالیم اسلام، سلامت اجتماع از سلامت اولین هسته آن یعنی خانواده شروع می‌شود. به طور طبیعی سلامت خانواده نیز از رفتار والدین شکل می‌گیرد. آن چه از آموزه‌های اسلام به دست می‌آید توصیه‌های موکد به سلامت رفتار والدین در خانه و رعایت مسایل و موضوعات جنسی است. هر چند این توصیه‌ها در خانه به والدین شده است، ولی اختصاص به مکان و افراد خاص ندارد، بلکه خانه و والدین

برای مشاهده بیشتر این رفتار والدین در خانه است. پس می‌توان در مورد محل‌های دیگر، از جمله در خانه دیگر اقوام و آشنایان و به‌رفتارهای آنان نیز تعمیم داد. از جمله این مکان‌ها، مهد کودک است که مربی و اعضای آن بایستی از دستورات اسلام پیروی کنند و مسایل جنسی را در ارتباط با کودک رعایت کنند. در ادامه به بررسی روایات این باب می‌پردازیم و در انتها نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

روایات این باب، به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول، در مورد آمیزش در حضور و دید کودک است. مهد کودک مصداق، این دسته از روایات، نیست و نیازی به طرح آن نیست. دسته دوم، احادیث این باب مربوط به حرمت دیدن عورت کودک توسط والدین است و بالعکس است. روایات دسته سوم، مربوط به بوسیدن و بغل کردن کودک توسط نامحرم است. در ادامه روایات را مرور کرده، بحث دلالی و سندی آن را بیان خواهیم کرد.

۱/۷/۱. روایات دسته دوم

رسول‌الله (ص): لَيْسَ لِلوَالِدَيْنِ أَنْ يَنْظُرَا إِلَى عَوْرَةِ الوَلَدِ، وَلَيْسَ لِلوَلَدِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عَوْرَةِ الوَالِدِ؛ برای پدر و مادر، روا نیست که به شرم‌گاه فرزند نگاه کنند و برای فرزند روا نیست که به شرم‌گاه پدر، نگاه کند (کلینی، ج ۶: ۵۰۳) عن الإمام الصادق (ع)؛

المستدرک علی الصحیحین عن محمد بن بیاض: رُفِعَتْ إِلَى رسول‌الله (ص) فِي صِغَرِي وَعَلَى خِرْقَةٍ وَقَدْ كَشَفَتْ عَوْرَتِي، فَقَالَ: غَطُّوا حُرْمَةَ عَوْرَتِهِ؛ فَإِنَّ حُرْمَةَ عَوْرَةِ الصَّغِيرِ كَحُرْمَةِ عَوْرَةِ الكَبِيرِ، وَلَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى كَاشِفِ عَوْرَةِ (المستدرک علی الصحیحین، به نقل از محمد بن بیاض)؛ در خردسالی ام مرا خدمت پیامبر خدا بردند. پاره‌لباسی بر تنم بود و عورتم آشکار شد. ایشان فرمود: «حریم عورتش را بپوشانید که حرمت عورت کودک، همانند حرمت عورت بزرگسال است و خداوند، به آشکار کننده عورت نگاه نمی‌کند».

الإمام الباقر (ع): كَانَ عَلِيٌّ بِنِ الحُسَيْنِ (ع) إِذَا حَضَرَ وِلَادَةَ المَرَأَةِ قَالَ: أَخْرِجُوا مَن فِي البَيْتِ مِنَ النِّسَاءِ؛ لَا تَكُونُ المَرَأَةُ أَوْلَّ نَاطِرٍ إِلَى عَوْرَتِهِ؛ امام زین العابدین (ع) همواره وقتی هنگام زایمان زن فرامی‌رسید، می‌فرمود: «زنانی را که در اتاق هستند، بیرون کنید تا نخستین نگاه زنان، نگاه به عورت نباشد». یعنی اولین کسی که به او نگاه می‌کند و نگاهش به عورت کودک می‌افتد،

زن نباشد؛ چراکه آنان، نخست به عورت نگاه می‌کنند تا بدانند پسر است یا دختر؛ بلکه شایسته است اولین بار، نگاه مرد به نوزاد بیفتد و به غیر عورت او نگاه کند (فیض کاشانی، ج ۲۳: ۱۳۱۵؛ شیخ صدوق، ج ۳: ۵۶۰؛ کلینی، ج ۶: ۱۷؛ طوسی، ج ۷: ۴۳۶) کلاهما نحوه و کلها عن جابر.

بررسی سندی

اگرچه حدیث اول ظاهراً مرفوعه است، ولی در سند روایت، تمام راویان ثقة هستند. شاید طبق قول برخی محققین (فقیهی، ۱۳۸۴) عدم نقل تمام راویان سند جهت اختصار و یا شناخته شده بودن آن‌ها نزد علمای دوره کلینی بوده است. به هر حال روایت صحیح است. حدیث دوم ضعیفه است.

روایت سوم از جابر بن عبدالله انصاری است و سلسله سند عبارت است از محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن عبدالله بن محمد، عن أبیه، عن عبدالله بن المغیره، عن السکونی، عن جابر است و تمام راویان ثقة هستند و سند صحیح است.

بررسی دلالی

در این روایت، بدون این‌که به شخص خاصی اختصاص داشته باشد دیدن عورت کودک را حرام می‌داند؛ بنابراین، در مهد کودک نیز مربی نباید عورت کودکان را ببیند.

۱/۷/۲. روایت دسته سوم

الإمام علی (ع): مُبَاشَرَةُ الْمَرَأَةِ ابْتِهَا إِذَا بَلَغَتْ سِتِّ سِنِينَ شُعْبَةً مِنَ الرِّثَا؛ (تماس [بدنی] زن با (آلت) دخترش، وقتی به شش سالگی رسید، بخشی از زناست (شیخ صدوق، ج ۳: ۴۳۶؛ حر عاملی، ج ۲۰: ۲۳۰؛ مجلسی، ج ۱۰۴: ۹۶).

رسول الله (ص): إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتِّ سِنِينَ فَلَا تُقَبَّلُهَا، وَالْغُلَامُ لَا يَقَبَّلُ الْمَرَأَةَ إِذَا جَاوَزَ سَبْعَ سِنِينَ؛ چون دختر شش ساله شد، او را مبوس و پسر نیز چون از هفت سالگی گذشت، زن را نبوسد. (طبرسی، ج ۱: ۴۷۹؛ شیخ صدوق، ج ۳: ۴۳۷) عن الإمام الصادق (ع).

الإمام الصادق (ع): إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ الْحُرَّةُ سِتِّ سِنِينَ فَلَا يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تُقَبَّلَهَا؛ وقتی دختر

آزاد به شش سالگی رسید، برای تو شایسته نیست که او را ببوسی. (کلینی، الکافی، ج ۵: ۵۳۳؛ طوسی، ج ۷: ۴۸۱؛ وکلاهما عن زرارة، طبرسی، مشکاة الأنوار: ۳۵۳ و لیس فیهما «الحرّة»)

تهذیب الأحكام عن علی بن عقبه عن بعض أصحابنا: كان أبو الحسن الماضي (ع) عند محمد بن إبراهيم والی مکه، وهو زوج فاطمة بنت أبي عبد الله، وكانت لمحمد بن إبراهيم بنت تلبسها الثياب وتجيء إلى الرجال فيأخذها الرجل ويضُمها إليه، فلما تاهت إلى أبي الحسن (ع) أمسكها بيديه ومدّ ذنّين، قال: إذا أتت على الجارية ست سنين لم يجوز أن يقبلها رجل لیس هی بمحرّم له، ولا يضُمها إليه؛ به نقل از علی بن عقبه، از یکی از شیعیان- : امام کاظم (ع) نزد محمد بن ابراهیم، فرماندار مکه و همسر فاطمه دختر امام صادق (ع) بود. محمد بن ابراهیم، دختری داشت که لباس [زیبا] بر او می پوشاندند و نزد مردان می آمد و مردان، او را گرفته، به آغوش می کشیدند. هنگامی که به امام کاظم (ع) رسید، ایشان، در حالی که دستان خود را کشیده بود، او را [از این که به آغوش درآید] نگه داشت و فرمود: «وقتی دختر به شش سالگی رسید، جایز نیست مردی که محرم او نیست، او را ببوسد و در آغوش بکشد. طوسی، ج ۷: ۴۶۱؛ حر عاملی، ج ۱۴: ۱۷۰».

بررسی سندی

کلیه روایات این بخش صحیح است.

بررسی دلالی

گاهی مشاهده می شود رعایت ارتباط بدنی نزدیک به زنا در عوام ممکن است زیاد اهمیت داده نشود در حالی که در روایت از آن نهی شده است. چرا که در امور جنسی دستورات اسلام پرهیز از نزدیک شدن به موارد شبهه ناک است؛ چه به رسد به حرام. متأسفانه در برخی موارد مشاهده شده است برای آرام کردن کودک با آلت کودک بازی می کنند و این کار مورد نهی اسلام است. آقای اسلامی نسب، در مورد تبدیل شدن عمل دست زدن آلت کودک، به استمنا چنین توضیح می دهد: گاهی پزشکان ناشی و پرستارها (غافل از عوارض روانی عمل کردشان) برای آرام کردن کودکان، با آلت آن ها بازی می کنند و چه بسا که این کار را برای ارضای تمایلات جنسی خویش

انجام دهند. کودک، که از این رفتار، لذت وافر می‌برد، رام می‌شود و خاموش می‌ماند و بعدها مایل است که این عمل، با او تکرار شود؛ ولی اگر کسی با او چنین نکرد، خودش به انجام دادن آن اقدام می‌کند. این شیوه، نه تنها از جانب پزشکان و پرستاران، بلکه گاه به دست مادر، خواهر و یا دیگران انجام می‌شود (فقیهی: ۱۱۹ و ۱۲۰). بنابراین، در مهد کودک که مراقبت از کودک نیازمند صبر و حوصله فراوان است، برای رعایت مسایل جنسی توجه ویژه‌ای نیازمند است تا مربیان دچار آسیب‌های ناشی از عدم دقت در این امور نشوند.

نتیجه‌گیری

اکنون با بررسی روایات این باب می‌توان مجموعه اهداف عملیاتی مهد کودک را به دست آورد. نکته قابل بیان این‌که این اهداف در واقع سرفصل‌های محتوای آموزشی در مهد کودک را مشخص می‌کند و بر اساس آن، متون متناسب با سلیقه کودکان با تصویرسازی مناسب را برای اهداف شناختی و عاطفی تدوین شود. همچنین سناریوها و بازی‌های خلاقانه کودکانه برای تامین اهداف رفتاری طراحی شده را تولید کرد.

منابع

* قرآن مجید

* نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، مصحح غفاری، علی اکبر، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۱۴۱۳ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، ترجمه غفاری، علی اکبر، غفاری، محمدجواد، بلاغی، صدرالدین، تهران، نشر صدوق؛ ۱۳۶۷ش.
۳. ابن داوود حلی، تقی‌الدین حسن بن علی، *رجال ابن داوود*، قم، انتشارات رضی؛ ۱۳۸۳ش.
۴. ابن شهر آشوب، *المناقب*، قم، انتشارات علامه؛ ۱۳۷۱ق.
۵. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی؛ ۱۴۰۴ق.

۶. ابن منظور (۱۴۱۴ش)، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم؛
۷. اعرافی، علیرضا، *قواعد فقهی*، قم، مؤسسه اشراق و عرفان؛ ۱۳۹۵ش،
۸. _____، *فقه تربیتی*، ج ۱، قم، مؤسسه اشراق و عرفان؛
۹. _____، *روشهای تربیت*، قم، مؤسسه اشراق و عرفان؛
۱۰. آمدی، عبدالواحد بن تمیمی، *غررالحکم و دررالکلم*، شرح محمد خوانساری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۳ش.
۱۱. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، قم، نشر دارالکتب الاسلامیه؛
۱۲. محمدی ری شهریف محمد، *حکمت نامه کودک*، ترجمه پسندیده، عباس، قم دارالحديث؛ ۱۳۹۶ش.
۱۳. جمعی از نویسندگان، *مبانی تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات اسلامی مدرسه؛ ۱۳۹۱ش.
۱۴. حرانی، محمد بن شعبه، *تحف العقول*، قم، مؤسسه آل البيت؛ ۱۳۶۳ش.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت؛ ۱۴۰۹ق.
۱۶. _____، *وسائل الشیعه*، چاپ اول، مصحح مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت؛ ۱۴۰۹ق.
۱۷. _____، *وسائل الشیعه*، ترجمه صحت، علی، تهران، ناس؛ ۱۳۶۴ش.
۱۸. خمینی، روح الله، *تحریرالوسیله*، قم، دارالعلم؛ ۱۴۲۵ق.
۱۹. داودآبادی، محسن، *رساله الگویی آموزش عالی از منظر فقه تربیتی*؛ ۱۳۹۹ش.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا؛ ۱۳۷۳ش.
۲۱. سنگی، محمدصادق، *رساله الگویی مهد کودک از منظر فقه تربیتی*؛ ۱۴۰۲ش
۲۲. طبری، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، ترجمه احمدزاده، احمد، قم، نور الزهراء سلام الله علیها؛ ۱۳۹۰ش.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، قم، اسوه؛ ۱۴۱۴ق.

۲۴. فقیهی، علینقی، تربیت جنسی؛ مبانی اصول و روشها از منظر قرآن و حدیث، قم، موسسه فرهنگی دارالحدیث؛ ۱۳۹۴ ش.
۲۵. فقیهی، حسین، مقاله؛ سیری در اسناد احادیث کافی، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۶۴، ۱۳۸۴ ش.
۲۶. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحيط*، بیروت، دارالکتب العلمیه؛ ۱۴۱۵ ق.
۲۷. فیض الاسلام، علی نقی، *نهج البلاغه*، تهران، چاپ دوم؛ ۱۳۷۱ ش.
۲۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *نوادیر الاخبار فیما يتعلق باصول الدین*، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران؛ ۱۳۷۲ ش.
۲۹. کشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفه الرجال* (معروف به رجال کشی)، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)؛ ۱۳۸۲ ش.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم، انتشارات الاسلامیه؛ ۱۳۹۰ ش.
۳۱. گروهی از نویسندگان زیر نظر آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات مدرسه؛ ۱۳۹۰ ش.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار لدرر الاخبار الاثمه الاطهار علیهم السلام*، ترجمه خسروی، موسی، تهران، اسلامیه؛ ۱۳۶۴ ش.
۳۳. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، ج ۱۲، تهران، دارالحدیث؛ ۱۳۸۴ ش.
۳۴. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، بیروت، دارالأضواء، چاپ اول؛ ۱۴۰۸ ق.
۳۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی، *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*، قم، مؤسسه آل البيت؛ ۱۴۱۵ ق.
۳۶. وبگاه ویکی فقه.
۳۷. وبگاه ویکی شیعه.